

یادداشت

منافع و انگیزه‌های کنشگران منطقه‌ای در منازعه ایران و آمریکا

سیدمحمدحسینی

سفیر سابق ایران در عربستان

ایران و آمریکا در آستانه جنگ با توافق هستند. جنگ می‌تواند منجر به **جنگ کوتاه‌مدت**، جنگ فرسایشی، جنگ منطقه‌ای یا جنگ ترکیبی شود. توافق نیز می‌تواند توافقی شکستنده یا توافقی محکم باشد که زمینه را برای توافقات بعدی در موضوعات دیگر فراهم کند. چه جنگ رخ دهد و چه توافق، بی‌تردید این رویداد سرریز منطقه‌ای، بلکه جهانی خواهد داشت و منافع بسیاری از کشورهای منطقه و جهان را از خود متأثر خواهد کرد. در این معادله بازیگران اصلی، تصمیم‌گیران ایران و تصمیم‌گیران آمریکا هستند. در این میان اما کنشگران منطقه‌ای نیز نقش آفرین هستند که نقش اصلی را ندارند اما متغیرهای شتاب‌دهنده و با بازدارنده محسوب می‌شوند. منافع و انگیزه‌های این کنشگران منطقه‌ای، موضوع اصلی این یادداشت را تشکیل می‌دهد.

دیدبانی عرصه دیپلماسی منطقه‌ای نشان می‌دهد ترکیه، عراق، عربستان، قطر، عمان و مصر، کنشگران صلح یا بازدارنده جنگ هستند و اسرائیل آشکار و برخی از زیرقدرت‌ها در منطقه، در صورت پنهانی، کنشگران جنگ یا شتاب‌دهندگان جنگ محسوب می‌شوند. منافع و انگیزه‌های هر یکی از این کنشگران چیست؟

۱. ترکیه: با وجود آنکه ترکیه همواره در منازعات منطقه‌ای، هنر و مهارت استفاده از فرصت‌های منازعه را به همگان نشان داده است (نمونه جنگ ایران و عراق، حمله آمریکا به عراق و بالاخره جنگ سوریه)، اکنون مخالف حمله آمریکا به ایران است، چون تهدیدهای ناشی از این جنگ برای ترکیه بسیار بیشتر از فرصت‌های احتمالی آن است. کدام تهدیدها؟ اول، تغییر توازن قدرت در منطقه به ضرر ترکیه است. در صورتی که ایران پس از جنگ احتمالی ضعیف‌تر شود، توازن قدرت در منطقه بیش از گذشته به نفع اسرائیل تغییر خواهد یافت و چنانچه در جنگ فرسایشی، ایران تاب‌آوری خود را حفظ کند و آمریکا خواهان آتش‌بس شود، آنگاه توازن قدرت به سود ایران در منطقه تغییر خواهد کرد. دوم اینکه ترکیه اکنون در سیاست خارجی خود دو پرونده اساسی یعنی تثبیت نفوذ در سوریه جدید و نفوذ راهبردی در قفقاز (محوری ترکی- آذری) را دنبال می‌کند و آماده بازشدن پرونده جدیدی در همسایه شرقی خود، یعنی ایران نیست. سوم، ترکیه با ایران دارای پیوند ژئوپلیتیک است و بی‌ثباتی پس از جنگ در ایران، قابل تسری به ترکیه خواهد بود. سیل مهاجران ایرانی می‌تواند ترکیه را با مشکلات عدیده مواجه کند. چهارم مسئله کردی است.

۲. عراق: دولت عراق نیز به‌شدت از جنگ احتمالی در هراس است. اول اینکه دولت عراق دوران گذار از «دولت ضعیف» به «دولت مستقر» را طی می‌کند و وقوع جنگ در همسایگی می‌تواند به این روند آسیب وارد کند. دوم،فعال‌شدن گروه‌های نظامی طرفدار ایران و شیعیان علاقه‌مند به جمهوری اسلامی است که ممکن است وارد جنگ با نیروهای آمریکایی در عراق شوند. سوم، روند ادغام گروه‌های شبه‌نظامی جبهه مقاومت عراقی در نیروهای مسلح عراق به چالش مواجه می‌شود. چهارم، وابستگی امنیتی عراق به حضور نیروهای آمریکایی در خاک عراق است که جنگ احتمالی می‌تواند با حمله ایران به نیروهای آمریکایی در عراق باعث چالش امنیتی برای بغداد شود و بالاخره پنجم، تسری ناامنی از مرزهای ایران به عراق در صورت تضعیف حاکمیت مرکزی در ایران، زنگ خطر امنیتی برای دولت عراق خواهد بود.

۳. عربستان: دولت عربستان با وجود آنکه ایران را رقیب ستی این خود در منطقه می‌بیند و طی یک دهه گذشته الگویی از «رقابت – تقابل» را تجربه کرده است، اما در این بحران خواهان جنگ نیست. اگرچه بر خلاف عراق و ترکیه، «ایران ضعیف و محاصره‌شده» را بر «ایران، به‌مثابه یک قدرت منطقه‌ای» ترجیح می‌دهد. اول آنکه عربستان از منطقه‌ای‌شدن جنگ و حمله نظامی ایران به پایگاه‌های آمریکایی در عربستان و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌شدت واهمه دارد. دوم آنکه عربستان از فعال‌شدن انصارالله یمن که در دفاع از ایران وارد جنگ با آمریکا و شاید حمله به پایگاه‌های آمریکایی در عربستان شود، به‌شدت دچار هراس است و نمی‌خواهد پرونده یمن پس از توافق ۱۰ مارس ۲۰۲۳ مجدداً گشوده شود. سوم، جنگ احتمالی می‌تواند ثبات خلیج فارس را دچار چالش اساسی کند و امنیت انرژی و سرمایه‌گذاری در خلیج فارس را با سکنه‌ای عمیق مواجه کند. چهارم، تضعیف ایران در جنگ احتمالی قدرت اسرائیل را افزایش می‌دهد و پیروزی ایران، قدرت ایران را افزایش می‌دهد و در هر دو صورت به ضرر عربستان خواهد شد. و بالاخره پنجم، تسری ناامنی از ایران با حاکمیت ضعیف‌شده به مرزهای جنوبی است که می‌تواند سال‌ها خلیج فارس را با معضله‌ای به نام ایران ناامن مواجه کند.

۴. قطر و عمان: تهدیدها و دغدغه‌های امنیتی که برای عربستان برشمرديم، عمدتاً دغدغه‌ها و تهدیداتی برای قطر و عمان نیز خواهند بود، با این تفاوت که عمان و به‌ویژه قطر از بی‌ثباتی در منطقه، تسری جنگ به منطقه و صدور ناامنی از ایران به منطقه در فدای جنگ بیش از عربستان احساس خطر می‌کنند. تجربه قطر از جنگ ۱۲روزه و حمله اسرائیل به قطر برای ترور سران حماس، مقامات قطری را نسبت به هر گونه جنگ جدید در منطقه به‌شدت دچار هراس امنیتی کرده است؛ هراسی بیش از سران عمان، امارات، عربستان، بحرین و کویت.

۵. مصر: دولت مصر نیز خواهان توافق و مخالف جنگ است اما به واسطه دوری جغرافیایی از ایران، دغدغه‌های کشورهای پیرامون ایران را ندارد. مصر در نهایت خود را در ائتلاف عربستانی تعریف و رویکرد خود به خلیج فارس را با عربستان تنظیم می‌کند. البته مصر نیز خواهان تضعیف ایران نیست، چون تضعیف ایران تقویت اسرائیل را در بر خواهد داشت و دولت مصر، اولاً اسرائیل را تهدیدی موجودیتی برای خود می‌بیند و ثانیاً قدرت‌یابی اسرائیل را به ضرر جهان اسلام می‌داند. در سوی دیگر، پیروزی ایران در جنگ احتمالی پیش‌رو را نیز تقویت مجدد جبهه مقاومت می‌داند که برای مصر باعث دردرس خواهد شد.

۶. اسرائیل: رژیم صهیونیستی بدون تردید خواهان جنگ آمریکا و ایران است. چرا؟ اول آنکه ایران برای صهیونیست‌ها تهدید موجودیتی است. آنها معتقدند پرونده ایران در دوره ترامپ باید برای همیشه با نابودی یا تضعیف شدید ایران بسته شود. دوم، تضعیف ایران، توازن قدرت را در منطقه به سود اسرائیل تغییر می‌دهد و آنها را در قبال ترکیه، عربستان و پاکستان در موضع برتر و هژمون قرار خواهد داد. سوم، در ادراک رژیم، ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری تضعیف شده است و عدم اقدام در قبال ایران، موجب افزایش قدرت و پرستیژ و جایگاه ایران نزد مسلمانان منطقه خواهد شد. چهارم، جنگ علیه ایران و به زعم آنها شکست ایران در جنگ احتمالی پیش‌رو، قدرت چانه‌زنی رژیم صهیونیستی را در پروژه عادی‌سازی با اعراب افزایش خواهد داد، موضوع دو دولتی را تضعیف می‌کند و اسباب نابودی حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن را نیز فراهم خواهد کرد. و بالاخره پنجم، انگیزه‌های درونی نتانیاهو و کابینه اوست که آنها را در قبال رقبای داخلی رژیم در موضع برتری قرار خواهد دارد.

مهدی بازران: دیروز (دوشنبه)، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ژنو دیدار کرد. این ملاقات در آستانه دور جدید مذاکرات ایران و ایالات متحده برنامه‌ریزی شده بود و تیمی از متخصصان هسته‌ای نیز برای مشارکت در مباحث فنی دقیق حضور داشتند. عراقچی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس و پیش از ملاقات با گروسی نوشت علاوه بر دیدار با دبیرکل آژانس، پیش از آغاز رایزنی‌های دیپلماتیک با آمریکا در روز سه‌شنبه، با بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان نیز دیدار خواهد داشت.

رئیس دستگاه دیپلماسی ایران تأکید کرد با «ابتکارات واقعی برای دستیابی به توافقی عادلانه و متوازن» به ژنو آمده است و آنچه مطلقاً در دستور کار نیست، «تسلیم در برابر تهدیدها» است. گروسی نیز در پیامی در شبکه اجتماعی خود از انجام مذاکرات فنی جامع با عراقچی خبر داد و یادآور شد که این گفت‌وگوها در چارچوب آماده‌سازی برای مذاکرات سه‌شنبه انجام شد. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمعه گذشته و در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ گفته بود: «از زمان جنگ ۱۲روزه، وضعیت به‌طور عمیق تغییر کرده است، اما دستیابی با توافق با آمریکا از نظر فنی هنوز ممکن است. برای رسیدن به توافق، باید راه خروجی وجود داشته باشد، چراکه تهران قصد دارد به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ادامه دهد و این حق باید به رسمیت شناخته شود». در همین حال، هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، هفته گذشته در گفت‌وگو با فایننشال‌تایمز اظهار داشت: «تمایل آمریکایی‌ها برای پذیرش غنی‌سازی ایران در محدوده‌های مشخص مثبت است و ایرانی‌ها نیز به این موضوع واقف هستند که باید با آمریکا به توافق برسند. در عین حال، آمریکا می‌داند که ایران محدودیت‌های خاص خود را دارد». با این حال، تحلیلگران می‌گویند که ادعاهای فیدان با واقعیت‌های جاری صحنه بین‌المللی همخوانی کامل ندارد و همچنان ابهاماتی جدی در مسیر مذاکرات وجود دارد.

ایران و آژانس انرژی اتمی؛ چالش بازرسی سایات‌های آسیب‌دیده

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پنجشنبه گذشته هم در گفت‌وگو با فایننشال‌تایمز بر حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم تأکید کرد، اما یادآور شد بر این اقدام باید تحت نظارت کامل آژانس انجام شود تا مطمئن شوند اورانیوم مهروموم شده و به مقاصد غیرمجاز منحرف نشده است. او این موضوع را به عنوان یک «امتیاز متقابل در چارچوب ان پی‌تی» مطرح و تأکید کرد بازارس ماه‌هاست منتظر اجازه دسترسی به سه سایت کلیدی غنی‌سازی ایران هستند.

این اظهارات در حالی است که ایران بارها تأکید کرده که به عنوان عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق غنی‌سازی خود را محفوظ می‌داند و از آن چشم‌پوشی نخواهد کرد. گروسی در ادامه مصاحبه خود مجدداً درخواست بازرسی از تأسیسات بمباران‌شده را مطرح کرد. در مقابل ایران نیز اعلام داشته که اجازه بازرسی از مراکز آسیب‌دیده فقط پس از تعیین چارچوبی برای شرایط پساچنگ و محکومیت رسمی اقدامات تجاوزکارانه داده خواهد شد. محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، نیز تأکید کرد که رویه‌های بازرسی باید مشخص شود تا ایران بتواند طبق آن عمل کند. با این حال، گروسی این مسائل را سیاسی خوانده و مدعی است که اقدامات حفاظتی برای ورود به تأسیسات بمباران‌شده کافی است و این اختلاف با ایران «بخشی از گفت‌وگوی جاری» است. او افزود که اطمینان زیادی دارد ذخایر اورانیوم با غای بالا در تأسیسات آسیب‌دیده محفوظ است، اگرچه تأیید صددرصدی ممکن نیست.

مدیرکل آژانس همچنین گفت که تصمیم اسرائیل برای بمباران ایران موجب توقف بازرسی برنامه‌ریزی‌شده از یک سایت جدید در اصفهان شد. او یادآور شد که ایران این سایت را اعلام کرده و قرار بود ۱۳ ژوئن بازدید انجام شود، اما هم‌زمان اسرائیل حملات خود را آغاز کرد و بازرسان نتوانستند از آن بازدید کنند. ایران تأکید دارد که مبنای همکاری با آژانس، قانون مصوب مجلس شورای اسلامی است و معاملات مطابق مصوبه شورای عالی امنیت ملی پیش می‌رود. گزارش فایننشال‌تایمز همچنین یادآور شد که اسرائیل عضو ان پی‌تی نیست، سیاست ابهام راهبردی در برنامه هسته‌ای دارد و تاکنون حدود صد کلاهک هسته‌ای تولید کرده است. گفتنی است گروسی اواسط بهمن‌ماه نیز در گفت‌وگو با شبکه «روسیه ۲۴» عنوان داشته بود: «موضع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره ایران این است که طرف‌ها به میز مذاکره بازگردند و به توافقی برسند که امکان بازگشت کامل بازرسان آژانس به ایران را فراهم کند».

دور جدید مذاکره به وقت ژنو

ساعاتی پس از عزیمت سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران به ژنو، کاخ سفید تأیید کرد استیو ویتکاف، نماینده ارشد و جرد کوشنر، داماد دونالد ترامپ، برای مذاکرات هسته‌ای با ایران به ژنو می‌روند. یک مقام آمریکایی که خواست نامش فاش نشود، حضور این دو نفر به عنوان نمایندگان واشنگتن در مذاکرات را تأیید کرد. در همین شرایط بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل یکشنبه‌شب درباره دیدار خود با ترامپ و شروط اسرائیل برای ادامه مذاکرات ایران و آمریکا اظهاراتی مطرح کرد. او مدعی شد که اسرائیل خواستار «برچیدن تمام زیرساخت‌هایی است که به ایران اجازه غنی‌سازی اورانیوم و خروج مواد غنی‌شده از کشور را می‌دهد». نتانیاهو همچنین با اشاره به سفر اخیر خود به واشنگتن گفت در مذاکرات با ترامپ بر «لزم محدودکردن برنامه موشکی ایران» تأکید کرده و خواستار محدودشدن برد موشک‌های بالستیک ایران به ۳۰۰ کیلومتر شده است. بر اظهارات نشان‌دهنده فشار سیاسی و مداخله‌جویانه اسرائیل

گزارش «شرق» از دیدار عراقچی و گروسی در آستانه مذاکرات ژنو

دیپلماسی به وقت ساعت سوئسی



دیدار وزیر امور خارجه ایران و عراقچی

درحال حاضر اولویت ندارد، درحالی‌که مذاکرات دیپلماتیک ابزار اصلی برای رسیدن به اهداف واشنگتن است. اگرچه ژرار آرو با قرائت خوش‌بینانه معتقد به تکرار توافق برجام بین ایران و ترامپ ولی با ظاهر متفاوت است، اما در روی دیگر سکه تحولات نیز وب‌سایت تحلیلی Responsible Statecraft در گزارشی به وضعیت حمایت عمومی آمریکا از اقدام نظامی علیه ایران پرداخته و آن را با تجربه جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ مقایسه کرده است. در آن زمان، حمله به عراق براساس نظرسنجی گالوپ از حمایت ۷۲درصدی آمریکایی‌ها برخوردار بود، اما اکنون اگر دونالد ترامپ بخواهد جنگی علیه ایران آغاز کند، حتی به یک‌چهارم آن میزان هم حمایت عمومی ندارد. نظرسنجی مشترک SSRS و دانشکاه مرلیند نشان داد که فقط ۲۱ درصد آمریکایی‌ها با آغاز حمله موافق بودند، ۴۹ درصد مخالف و ۳۰ درصد نیز پاسخ «نمی‌دانم» دادند. در حزب جمهوری خواه ۴۰ درصد تمایل به جنگ داشتند، اما ۲۵ درصد مخالف و ۳۵ درصد مردد بودند. حتی در میان جمهوری‌خواهان نیز اجماع وجود ندارد و فقط شش درصد دموکرات‌ها و ۲۱ درصد مستقل‌ها از مداخله حمایت کردند. نظرسنجی‌های قبلی از جمله کنومیسست/یوگاو نیز نشان می‌دهد که بین ۳۰ ژانویه تا ۲ فوریه، ۴۸ درصد آمریکایی‌ها با اقدام نظامی علیه ایران مخالف و فقط ۲۸ درصد موافق بودند. افزایش اعتراض‌ها در ایران و فشار گروه‌های حامی جنگ در آمریکا نیز تغییری در این ارقام ایجاد نکرده و شمار مخالفان به ۵۲ درصد رسیده است.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که جنگ عراق با حمایت اولیه گسترده آغاز شد، اما پیامدهای آن، از اشغال کشور تا کاهش محبوبیت جورج بوش، فاجعه‌بار بود. پس از ۱۰ و ۲۰ سال، بیش از نیمی از آمریکایی‌ها جنگ عراق را اشتباه می‌دانستند و حتی در رقابت‌های مقدماتی حزب جمهوری‌خواه، فاصله میان خاطره جنگ و تصمیمات سیاسی مشهود بود. گزارش در نهایت به این جمع‌بندی می‌رسد که ترامپ اکنون در شرایط متفاوتی از بوش قرار دارد؛ حتی مشوقان جنگ، تجربه عراق را پیش چشم دارند و بیشتر آمریکایی‌ها تمایلی به درگیری نظامی ندارند. با وجود فشار برخی از مقامات اسرائیل و مشاوران جنگ‌طلب، ترامپ تاکنون دست نگه داشته و ترجیح داده گفت‌وگو با ایران ادامه یابد. این وضعیت نشان می‌دهد که برخلاف تجربه ۲۰۰۳، آغاز یک جنگ گسترده علیه ایران با حمایت عمومی محدود و مخاطرات داخلی و بین‌المللی شدید مواجه خواهد شد.

در این فضای دوگانه و مبهم بین جنگ و مذاکره برخی رسانه‌ها قائل به تحلیل‌های محتاطانه هستند، کمابینکه الجزیره هم در گزارشی نوشت: «امروز تفسیر تهران از افزایش حضور نظامی آمریکا از جمله اعزام ناو هواییمار به دوم از طرف ترامپ این است که آمریکا برای مذاکره آمده، نه جنگ. در تهران باور غالب آن است که توافقی جامع می‌تواند اوضاع را مهار کند. با این حال، مشکل در یقین تصمیم‌گیران ایرانی است که آمریکا خواهان توافق است، درحالی‌که ترامپ هر روز بر حل قاطع تهدید موشک‌های بالستیک ایران و نفوذ منطقه‌ای آن تأکید می‌کند».

صادق ملکی: در دیپلماسی بن‌بست وجود ندارد

صادق ملکی طی گفت‌وگو با «شرق»، در آستانه دور دوم گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در ژنو، با نگاهی تحلیلی به فضای مذاکرات، بر این باور است: «دیپلماسی حتی در دشوارترین شرایط همچنان تنها مسیر معقول برای مدیریت و حل منازعه میان تهران و واشنگتن است و اساساً معتقد است هنوز می‌توان برای دیپلماسی وزن و اعتبار قائل شد و از مسیر گفت‌وگو به یک نقطه تعادل رسید. من به عنوان کسی که تجربه کار سیاسی و دیپلماتیک داشتم، صراحتاً به نگاه دوم باور دارم. در دیپلماسی بن‌بست ذاتی وجود ندارد. اگر مانعی شکل می‌گیرد، باید شرایطی فراهم کرد که آن مانع برطرف شود». به باور این کارشناس: «هیچ راه‌حل پایداری برای مسائل انباشته و پیچیده میان ایران و آمریکا، جز گفت‌وگوی مبتنی بر درک متقابل وجود ندارد».

بنابراین این دیپلمات اسبق کشورمان می‌گوید: «اگر حداقلی از فهم مشترک میان دو طرف ایجاد شود، می‌توان توازنی در مطالبات شکل داد و به وضعیتی برد-برد رسید؛ وضعیتی که نه آرمانی، بلکه پذیرفتنی برای هر دو طرف باشد».

ملکی در بخش دیگری از گفت‌وگو به نقش بازیگران ثالث، به‌ویژه اسرائیل و روسیه، می‌پردازد و معتقد است: «جنگ ۱۲روزه اخیر، درس‌های مهمی برای تهران به همراه داشته است». به تعبیر او: «این تجربه نگاه مقامات ایرانی به مسکو را واقع‌بینانه‌تر کرده است؛ یعنی روسیه در این جنگ نشان داد که بیش از آنکه شریک راهبردی ایران باشد، منافع خود را دنبال می‌کند و حتی در مواردی اشتراکاتش با اسرائیل پررنگ‌تر از ماست. البته این را نمی‌توان لزوماً به عنوان خیانت تعبیر کرد؛ روس‌ها هم مانند هر بازیگر دیگری منافع خود را اولویت می‌دهند. اما نتیجه این تجربه آن است که اتکال بیش از حد به روسیه در مذاکرات، به‌ویژه برای جلب رضایت یا تأیید آنها، باید اصلاح شود. امروز به نظر می‌رسد تصمیم‌گیران ما منافع محورتر شده‌اند». این مفسر حوزه دیپلماسی درباره اسرائیل نیز ارزیابی متفاوتی از گذشته ارائه می‌دهد و تصریح می‌کند: «تل‌آویو نیز از جنگ اخیر درس‌هایی گرفته است؛ یعنی اسرائیل به خوبی می‌داند که در یک جنگ احتمالی آینده، ممکن است هزینه‌هایی به‌مراتب سنگین‌تر از جنگ ۱۲روزه متحمل شود. شرایط میدانی منطقه هم لزوماً به نفع اسرائیل نیست. نه حزب‌الله به طور کامل از میان رفته و نه نیروهای همسو با ایران به طور مطلق حذف شده‌اند. هرچند واقعیت این است که حزب‌الله امروز حزب‌الله سابق نیست و نیروهای موسوم به نیابتی نیز بیش از گذشته ملاحظات داخلی و ملی کشورهای خود را در نظر می‌گیرند».

ملکی در عین حال اعقاد دارد: «اگر تفاهمی میان ایران و آمریکا شکل بگیرد، بخشی از نگرانی‌های امنیتی اسرائیل، حتی به صورت ناخوشه‌کاهش خواهد یافت». او توضیح می‌دهد: «وقتی شعار نابودی اسرائیل عملاً در دستور کار رسمی دولت و رفتار منطقه‌ای ایران و مبتنی بر ملاحظات ملی کشورها تعریف می‌شود، طبیعتاً سطح تهدید ادراک‌شده برای اسرائیل هم کاهش می‌یابد. مسائل ایران و اسرائیل یک شبه ایجاد نشده که یک شبه هم حل شود، اما شدت آن می‌تواند تعدیل شود».

درباره برنامه موشکی این کارشناس بر تمایز میان نگاه تدافعی و افسدنی تأکید دارد و خاطرنشان می‌کند: «اگر موشک‌ها در چارچوب دفاعی تعریف شوند و این پیام به‌روشنی منتقل شود که ایران آغازگر هیچ حمله‌ای نخواهد بود، بخشی از نگرانی‌ها قابل مدیریت است. فراموش نکنیم که موشک برای ایران صرفاً یک ابزار سیاسی نیست، بلکه با امنیت ملی و بقای کشور گره خورده است؛ ما در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که تهدید بالقوه فقط به اسرائیل محدود نمی‌شود». ملکی در ادامه به دو قرائت متفاوت از روند فعلی مذاکرات اشاره کرده و به گفته او: «یک قرائت بدبینانه وجود دارد که مذاکرات را صرفاً ابزاری برای خرید زمان می‌داند؛ هم از سوی ایران برای افزایش آگادگی بازدارنده و هم از سوی آمریکا برای آماده‌سازی نیروهایش در منطقه. اما در مقابل، قرائت دیگری نیز هست که به باور او واقع‌بینانه‌تر است؛ اینکه هر دو طرف واقعا به دنبال حل‌وفصل مسائل هستند. نشانه این تغییر را می‌توان در طرح‌های جدید مذاکراتی دید؛ ازجمله گشودن باب همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری که در گذشته اساساً قزم قزم تلقی می‌شد». دیپلمات پیشین کشور، جنگ را به «جراحی عمیق» تشبیه می‌کند و هشدار می‌دهد: «چنین جراحی‌ای ممکن است به‌جای درمان، به مرگ بیمار یا ویرانی گسترده منجر شود. جنگ می‌تواند خلع قدرتی ایجاد کند که پیامدهایش بسیار خطرناک‌تر از وضعیت فعلی باشد. به‌همین دلیل اگر مطالبات تعدیل و معقول شود، بسیاری از مسائل فنی از سطح غنی‌سازی گرفته تا نحوه مدیریت ذخایر قابل مذاکره حل‌وفصل است». در ادامه کپ‌وکت با «شرق»، ملکی با احتیاط خوش‌بینانه‌ای سخن می‌گوید و باور دارد: «هیچ قطعیتی وجود ندارد؛ نه می‌توان گفت مذاکرات حتماً شکست می‌خورد، سیاست عرصه پیشگویی نیست. اما اگر اراده تهران و واشنگتن از مدیریت صرف بحران به سمت حل بحران حرکت کند، دوره‌های پیش‌رو در ژنو و حتی دور سوم می‌تواند راه‌هایی برای خروج از وضعیت پرتنش کنونی باز کند. بنابراین از نگاه من، احتمال توافق، هرچند محدود و تدریجی اندک، بیش از عدم توافق است». او در پایان هشدار می‌دهد: «جنگ ایران و آمریکا می‌تواند کل خاورمیانه را به آتش بکشد و پروژه بی‌ثباتی را به همه منطقه سرایت دهد. ولی من خاورمیانه‌ای جدید را ممکن می‌دانم؛ اما نه خاورمیانه‌ای مبتنی بر ویرانی و تجزیه، بلکه منطقه‌ای باثبات‌تر که از دل گفت‌وگو و تعادل بیرون بیاید. این مسیر دشوار است، اما تنها مسیر عقلانی پیش‌روست».

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که جنگ عراق با حمایت اولیه گسترده آغاز شد، اما پیامدهای آن، از اشغال کشور تا کاهش محبوبیت جورج بوش، فاجعه‌بار بود. پس از ۱۰ و ۲۰ سال، بیش از نیمی از آمریکایی‌ها جنگ عراق را اشتباه می‌دانستند و حتی در رقابت‌های مقدماتی حزب جمهوری‌خواه، فاصله میان خاطره جنگ و تصمیمات سیاسی مشهود بود. گزارش در نهایت به این جمع‌بندی می‌رسد که ترامپ اکنون در شرایط متفاوتی از بوش قرار دارد؛ حتی مشوقان جنگ، تجربه عراق را پیش چشم دارند و بیشتر آمریکایی‌ها تمایلی به درگیری نظامی ندارند